

حقوق پزشکی

واکاوی گواهی خلاف واقع پزشکی در نظام حقوقی ایران

دکتر محمود عباسی*

چکیده:

صدور گواهی خلاف واقع پزشکی یکی از ناهنجاری‌های مهم در روابط میان پزشک و بیمار است که به واسطه تأثیر بر نظم عمومی و ورود زیان به اشخاص حقیقی و حقوقی و همچنین مخدوش نمودن شأن حرفه پزشکی به طور خاص مورد توجه قانون‌گذار بوده و مورد جرم انگاری قرار گرفته است. این عمل می‌تواند حسب مورد مسئولیت کیفری، مدنی و انتظامی را برای پزشک در پی داشته باشد. در این مقاله ضمن تبیین مفهوم صدور گواهی خلاف واقع پزشکی و فروض مختلف آن، ارکان جرم مزبور و شرایط تحقق مسئولیت کیفری و مدنی و اعمال مجازات و جبران خسارت در این خصوص مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. برای تحقق جرم خاص صدور گواهی خلاف واقع پزشکی لازم است شرایط مقرر در ماده 539 قانون مجازات اسلامی مصوب 1375 مورد توجه قرار گیرد و در سایر موارد (که گواهی به اسم پزشک جعل شده یا سایر گواهی‌های خلاف واقع) حسب مورد مواد 538 و 540 قانون در خصوص اجرای مجازات و نحوه جبران خسارات، حاکم خواهند بود.

واژه‌های کلیدی: گواهی خلاف واقع پزشکی، ارکان جرم، مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی

زمینه و هدف

قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب است. صدور تصدیق نامه خلاف واقع قبلاً در مواد 110 و 111 قانون مجازات عمومی اصلاحی سال 1352 مورد حکم مقنن قرار گرفته بود و پس از انقلاب نیز مواد 30 و 31 قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال 1361 به این موضوع اختصاص داشت که ماده 30 قانون مزبور مقرر می‌داشت: «طبيب و يا جراح هرگاه تصدیق

یکی از جرائمی که توسط پزشکان قابل ارتکاب است و قانونگذار آنرا قابل تعقیب کیفری و مجازات می‌داند صدور تصدیق نامه خلاف واقع پزشکی است، که در ماده 539 قانون مجازات اسلامی مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است. چنانچه این جرم توسط افراد دیگری غیر از پزشک و یا دیگر صاحبان حرف پزشکی ارتکاب یابد به استناد مواد دیگری از

* دکترای حقوق پزشکی از دانشگاه سوربن، فلوشیپ اخلاق زیستی، دانشیار و رییس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی نویسنده پاسخگو: دکتر محمود عباسی
تلفن: 88781036 داخلی 215

رییس انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

E-mail: Dr.abbasi@sbmu.ac.ir

تاریخ وصول: 1402/10/20

تاریخ پذیرش: 1403/01/30

وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده محکوم می‌گردد.» بنابراین عنصر قانونی جرم صدور گواهی خلاف واقع ماده قانونی فوق می‌باشد و دیگر ارکان تشکیل‌دهنده این جرم عبارتند از: عنصر مادی جرم که غیرواقعی بودن گواهی صادره است، خصوصیت و شخصیت مرتکب، عنصر معنوی یا سوءنیت مرتکب و بالاخره ارائه گواهی غیرواقع به ادارات رسمی یا نظام وظیفه و یا مراجع قضایی که به تشریح آن می‌پردازد.

الف - خصوصیت مرتکب جرم

یکی از ویژگی‌ها و شرایط تحقق جرم صدور گواهی خلاف واقع، موضوع ماده 539 قانون مجازات اسلامی این است که مرتکب جرم می‌بایست طبیب باشد و سایر اشخاص نمی‌توانند مشمول این ماده قرار گیرند. گرچه قانونگذار سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع صادره توسط سایر افراد و هم‌چنین جعل گواهی پزشکی را نیز جرم تلقی و برای مرتکبین آنها مجازات خاصی در نظر گرفته است، لیکن یکی از تفاوت‌های اصلی این ماده با مواد 538 و 540 قانون مذکور، خصوصیت مرتکب جرم است که الزاماً مرتکب این جرم می‌بایست پزشک باشد تا مشمول ماده 539 قانون مزبور قرار گیرد. به عبارتی این جرم فقط از ناحیه اطباء قابل ارتکاب می‌باشد و واژه طبیب در این ماده اعم است از پزشک عمومی و متخصص، سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا واژه طبیب مصرّحه در ماده 539 در برگیرنده سایر عناوین و صاحبان حرف پزشکی مانند داروسازان، متخصصین علوم آزمایشگاهی، دندانپزشکان و غیره آنگونه که ماده 15 قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مقرر داشته است می‌گردد یا خیر؟

شایان ذکر است که عنوان طبیب یا پزشک به کسی اطلاق می‌شود که پس از طی یک رشته آموزش‌های لازم در رشته پزشکی و گذراندن دوره‌های عملی موفق به اخذ مدرک و گواهینامه پایان تحصیلات دکترای پزشکی گردیده باشد، البته این عنوان در رشته‌های پزشکی به متخصصین رشته‌های مختلف پزشکی و کسانی که دارای مدرک فوق تخصصی در رشته‌های مزبور هستند نیز اطلاق می‌گردد. ماده 31 قانون تعزیرات سابق، واژه پزشک و جراح را مورد استعمال قرار داده بود لیکن ماده 539 قانون مجازات اسلامی به واژه «طبیب» اکتفا کرده است. همانگونه که اشاره کردیم

نامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به محاکم بدهد به شش ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد.» صدور گواهی پزشکی بنابر تقاضای بیمار یکی از وظایف روزمره پزشکان و دیگر صاحبان حرف پزشکی محسوب می‌گردد. از مهمترین شایعترین دلایلی که ممکن است پزشک مبادرت به صدور گواهی نماید همانگونه که در ماده 539 قانون مجازات اسلامی به آن تصریح شده استفاده از آن برای معافیت از خدمت در ادارات دولتی یا نظام وظیفه و یا حضور در محاکم و مراجع قضایی است. نظر به اینکه صدور گواهی پزشکی خلاف واقع ممکن است موجب خسارت به دولت و یا اشخاص حقیقی، حقوقی و یا اخلال در امور گردد، قانونگذار آنرا جرم تلقی و مرتکب و یا مرتکبین را قابل مجازات می‌داند.

هرچند صدور گواهی خلاف واقع، اعم از اینکه توسط پزشک صادر شده باشد (موضوع 539 قانون مجازات اسلامی) و یا توسط سایر افراد (موضوع ماده 540 قانون مجازات اسلامی) زیر عنوان جعل و تزویر موضوع فصل پنجم قانون مجازات اسلامی آورده شده، لیکن در عدم اشاره به واژه جعل در این دو ماده توسط قانونگذار آگاهانه بوده و نمی‌توان گفت که منظور قانونگذار جعل بوده است نه بزه دیگری. به عبارت دیگر، قانونگذار به این نکته توجه داشته است که این دو مورد، اساساً جعل (چه مادی و چه مفادی) محسوب نمی‌شوند.¹

جرم صدور گواهی خلاف واقع، هرچند شباهت زیادی با جرم شهادت کذب و جعل معنوی دارد، لیکن با جرم جعل گواهی پزشکی موضوع ماده 538 قانون مجازات اسلامی از لحاظ انگیزه مرتکب و میزان مجازات متفاوت است که به تشریح آن می‌پردازیم.

1- ارکان جرم صدور گواهی خلاف واقع

ماده 539 قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

«هرگاه طبیب تصدیق‌نامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و هرگاه تصدیق‌نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا

1. میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای اختصاصی²؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، 1397، ص 281.

متصور نیست. بنابراین عمل آنان جعل گواهی پزشکی تلقی می‌گردد.

ثانیاً، تصدیق‌نامه‌هایی که اینگونه افراد صادر می‌کنند فاقد ویژگی خاص و شرایط متصوره ماده 539 قانون مجازات اسلامی است، به عبارتی دیگر، تصدیق‌نامه‌هایی که اینگونه افراد صادر می‌کنند قابل ارائه به ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی به منظور معافیت از خدمت نیست، بلکه ممکن است صدور این تصدیق‌نامه‌ها در جای دیگری مورد استفاده قرار گیرد.

ثالثاً، تصدیق‌نامه‌هایی که سایر صاحبان حرف پزشکی برخلاف واقع صادر می‌کنند، ممکن است موجب ضرر به اشخاص ثالث یا دولت گردد که در اینصورت قانون‌گذار برای آن تدابیر دیگری اندیشیده است؟

به نظر می‌رسد که فرض اول مسئله به طور کلی منتفی است؛ زیرا چه بسا کارمندی که به علت عفونت شدید دندان یا جراحی لته نتواند در وقت اداری سر کار خود حاضر شود و دندانپزشکی مبادرت به صدور گواهی پزشکی برای نامبرده جهت معافیت از خدمت در اداره‌ای نماید، همینگونه است وضعیت شخصی که برای فرار از خدمت در اداره خود به بهانه معافیت از خدمت، گواهی پزشکی خلاف واقع ناشی از جراحی لته یا عفونت شدید دندان ارائه می‌کند و یا زن حامله‌ای که تحت نظر ماما است به بهانه معافیت از خدمت در اداره خود مبادرت به ارائه گواهی خلاف واقع صادره از سوی ماما به اداره متبوع خود نماید، بنابراین صدور چنین تصدیق‌نامه‌هایی از طرف دیگر صاحبان حرف پزشکی متعذر نیست، هرچند که با توجه به استدلال‌ات فوق، موضوع از شمول ماده 539 قانون مجازات اسلامی خارج است و اما در خصوص شقوق دوم و سوم باید به دیگر مواد قانون مجازات اسلامی استناد کرد.

ماده 540 قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می‌دارد: «برای سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آن که خسارتی بر خزانه دولت وارد آورد مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا 74 ضربه یا به دو بیست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد».

همانگونه که اشاره کردیم تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که از طرف سایر صاحبان حرف پزشکی صادر می‌گردد از شمول ماده 539 قانون مجازات اسلامی خارج است و ماده 540 قانون مجازات اسلامی دربرگیرنده مفاد هر یک از شقوق دوم

واژه طبیب در برگیرنده کلیه رشته‌ها و تخصص‌های مختلف پزشکی و جراحی و حتی پزشکان فوق تخصصی می‌باشد و اما در پاسخ به سؤال مطروحه که آیا واژه طبیب مصرّحه در ماده 539 قانون مارالذکر مشتمل بر صاحبان سایر حرف پزشکی نیز می‌گردد یا خیر، باید گفت که قانونگذار تعریفی از واژه طبیب یا پزشک ارائه نکرده، لیکن در تبیین مصادیق امور پزشکی، ماده 15 قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مقرر می‌دارد: «منظور از کلمه پزشکی در این قانون کلیه رشته‌های پزشکی از قبیل پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی، علوم بهداشتی، پرستاری، مامایی، تغذیه، توانبخشی، بهداشت کار دهان و دندان، کاردانی بهداشت خانواده، کاردانی مبارزه با بیماری‌ها و پیراپزشکی (علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی، تکنولوژی رادیولوژی، ادیومتری، اپتومتری) می‌باشد»².

نظر به اینکه قوانین جزا را می‌بایست تفسیر مضیق نمود و واژه «طبیب» در صدر ماده 539 قانون مجازات اسلامی حصری است نه تمثیلی و موضوع تصدیق‌نامه‌های صادره نیز دقیقاً مشخص گردیده که برای معافیت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه و یا برای تقدیم به مراجع قضایی می‌باشد و معمولاً صدور اینگونه تصدیق‌نامه‌ها از سوی سایر صاحبان حرف پزشکی مانند داروسازان، متخصصین علوم آزمایشگاهی، متخصصین رادیولوژی و پرستاران و غیره متعذر است، بنابراین به نظر می‌رسد سایر رشته‌های پزشکی موضوع ماده 15 قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از شمول ماده 539 قانون مجازات اسلامی خارجند و حتی برخی رشته‌ها مانند دندانپزشکی که احتمال صدور اینگونه تصدیق‌نامه‌ها از ناحیه آنان متصور است نیز نمی‌تواند مشمول ماده مزبور قرار گیرد، زیرا در عرف پزشکی نیز واژه طبیب به دندانپزشکی اطلاق نمی‌گردد.³ اما چنانچه یکی دیگر از صاحبان حرف پزشکی مبادرت به صدور تصدیق‌نامه برخلاف واقع نمایند تکلیف چیست؟

در این خصوص شقوق مختلفی قابل تصور است:

اولاً، ماهیت کار سایر صاحبان حرف پزشکی به گونه‌ای است که اساساً صدور چنین تصدیق‌نامه‌هایی از سوی آنان

2. به نقل از عباسی، محمود، مجموعه قوانین و مقررات پزشکی و دارویی، انتشارات حقوقی، 1381، ص 5.

3. در زبان فرانسه و انگلیسی نیز این واژه معادل Dentist آمده و تخصصی مجزا از رشته پزشکی محسوب می‌گردد.

«غیر واقعی بودن» و آثار آن، ملاک مهم جرم انگاری در خصوص جرم صدور گواهی خلاف واقع پزشکی به شمار می‌رود. توضیح اینکه برای توجیه جرم انگاری اظهارات خلاف واقع و به طور خاص گواهی خلاف واقع می‌توان به مبانی فقهی و حقوقی متعددی استناد جست؛⁵ از موجهات شرعی، آن دسته از آیات قرآنی و روایات اسلامی که در نکوهش اظهار خلاف و قول باطل (زور) واقع آمده است و اصول مهمی چون اصل لاضرر و اصل مصلحت عمومی، از این مهم پیشتیبانی می‌کنند.

در فقه اسلامی و در میان نظرات فقها، تعبیر مختلفی از ماهیت و کارکرد اصل لاضرر مطرح شده و بعضاً اصل «لاضرر» دایره شمول وسیعی یافته است، اما از جمله مهم‌ترین کاربردهای آن نفی احکام ضرری و نهی از هرگونه اضرار به غیر دانسته می‌شود.⁶

موارد استعمال واژه‌های ضرر و ضرار مبین این است که ضرر شامل همه خسارت‌ها و زیان‌هایی که بر دیگری وارد می‌شود، ولی ضرار در جایی استفاده می‌شود که شخص در پی استفاده از یک حق یا در پی امری که مجوز شرعی آن را دارد، به دیگری یا دیگران آسیب می‌رساند.⁷ به بیان دیگر ضرار به معنای سوء استفاده از حق است. این موضوع قبح عقلی هم دارد. عقل هم مؤید قبح ضرر و ضرار است. یعنی آسیب زدن به دیگران امری قبیح بوده و باید ممنوع شود.⁸ در واقع صدور گواهی خلاف واقع پزشکی که با سوء استفاده از حق صورت می‌گیرد مشمول اعمال قاعده لاضرر خواهد بود.

علاوه بر این بر اساس قاعده غرور، هرگاه از شخصی عملی صادر گردد که باعث فریب خوردن شخص دیگر شود و از این رهگذر، ضرر و زیانی متوجه وی گردد، شخص نخست ضامن است و باید از عهده خسارات وارده برآید.⁹

5. بیگی، جمال؛ موسوی، سیدرضا، جرم انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال نوزدهم، شماره 71، بهار 1402، ص 43 به بعد.

6. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه. الجزء الأول، قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب (ع)، 1427 ه.ق، ص 57.

7. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، 1392، ص 141.

8. بیگی، موسوی، پیشین، ص 47.

9. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی (مالکیت و مسئولیت)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، 1395، ص 163.

و سوّم مفروض در سؤال قبلی است. زیرا ماده مزبور هم تصدیق‌نامه‌های خلاف واقعی را مورد حکم قرار داده است که موجب ضرر به اشخاص ثالث می‌گردد و هم تصدیق‌نامه‌های خلاف واقعی را که موجب خسارت بر خزانه دولت می‌گردد، البته لازم به یادآوری است که ممکن است این جرم توسط افراد دیگری غیر از دیگر صاحبان حرف پزشکی نیز ارتکاب یابد که در اینصورت نیز موضوع مشمول ماده 540 قانون مجازات اسلامی خواهد بود. نکته دیگری که در باب خصوصیت مرتکب جرم باید به آن پرداخت، نظامی بودن پزشک است که در صورت صدور گواهی خلاف واقع ممکن است موجب تشدید مجازات آنان گردد. به موجب ماده 58 قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوّب سال 1371 «هر نظامی که در ارتباط با انجام وظیفه خود موجبات معافیت یا اعزام مشمولی را به خدمت وظیفه عمومی بناحق فراهم سازد و یا سبب شود نام کسی که مشمول قانون خدمت وظیفه عمومی هست در لیست مشمولان ذکر گردد، چنانچه اعمال مذکور به موجب قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس از شش ماه تا سه سال و انفسال موقت از خدمت از شش ماه تا یکسال برای مرحله اول و اخراج از خدمت در نیروهای مسلح برای مرحله دوم محکوم می‌شود. در صورتی که مرتکب از پزشکان یا متخصصان شاغل در نیروهای مسلح باشد، طبق ماده 56 عمل خواهد شد».

براساس ماده 56 قانون مذکور پزشک نظامی علاوه بر مجازات فوق به محرومیت از اشتغال به طبابت به مدت 5 تا 10 سال محکوم می‌گردد.

ب - غیر واقعی بودن گواهی صادره

غیر واقعی بودن گواهی صادره که رکن مادی جرم است، در حقیقت انجام فعل مثبت مادی است. یعنی در واقع طبیب با دادن تصدیق‌نامه خلاف واقع، عملی را انجام می‌دهد که بدون وجود آن، جرم مزبور محقق نمی‌گردد. تصدیق‌نامه در عرف حقوقی و متون قانونی به گواهی مکتوبی اطلاق می‌شود که توسط طبیب نوشته شده باشد. در تعریف تصدیق‌نامه آمده است تصدیق‌نامه: «در اصطلاح تصدیق است و به جای آن شهادت‌نامه و دیپلم هم به کار می‌رود».⁴

4. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، 1400، ص 154.

لازم به توضیح است که صدور گواهی پزشکی ممکن است به علل مختلفی صورت پذیرد که صدور گواهی تولد، فوت، بیماری، از کارافتادگی، نقص عضو، تزریق واکسن، معاینه چشم، عدم اعتیاد، عدم ابتلاء به بیماری‌های مسری و واگیردار و ده‌ها نوع گواهی دیگر از جمله آنهاست. بنابراین برای تحقق جرم صدور گواهی خلاف واقع لازم است که گواهی صادره برخلاف حقیقت و متضمن نوع بیماری، نقص عضو، عدم اعتیاد و یا هریک از دلایل دیگری که ضرورت صدور گواهی را ایجاب نموده باشد، به‌عنوان مثال، طبق ماده 27 قانون وکالت، در صورتی وکیل دعاوی می‌تواند در جلسه محکمه شرکت نکند که عذری موجه داشته باشد. چنانچه به منظور موجه جلوه دادن عدم حضور خود، مبادرت به اخذ گواهی خلاف واقع از طبیبی نماید و به محکمه ارائه دهد عمل پزشک جرم و به مجازات مقرر در ماده 539 قانون مجازات اسلامی محکوم می‌گردد و یا کارمندی که بدون عذر موجه دو ماه غیبت نموده است به منظور موجه جلوه دادن غیبت خود در اداره متبوعش، تصدیق‌نامه‌ای از پزشک اخذ نماید که در این مدت بستری بوده است، عمل پزشک از مصادیق بارز جرم صدور گواهی خلاف واقع است. به علاوه کارمند مزبور مرتکب تخلف اداری شده است که از موضوع بحث ما خارج است.¹²

بنابراین صدور هر نوع گواهی پزشکی که مطابق با واقع نباشد در صورت تحقق سایر شرایط، مسئولیت جزایی و بعضاً مسئولیت مدنی پزشک را به دنبال دارد و غیرواقعی بودن گواهی پزشکی نیز ممکن است، تمام محتوای گواهی صادره را و یا بخشی از آن را در برگیرد. مثال‌های فوق نمایانگر نوعی گواهی پزشکی است که تمام محتوای آن برخلاف واقع است و چنانچه طبیبی مبادرت به صدور گواهی پزشکی یک هفته‌ای برای بیماری نماید که تنها سه روز در بیمارستان بستری بوده است، عمل طبیب در چنین فرضی نیز با وجود سایر شرایط، جرم کامل تلقی می‌گردد. آنچه لازمه تحقق این جرم است صدور گواهی حاوی اطلاعات دروغ و گزارش خلاف واقع می‌باشد.

در نهایت زمانی که با تکیه بر دیدگاه فایده‌گرایی در جرم انگاری، ممانعت از وقوع ضررهای مشخص اجتماعی (همچون ضررهای فردی) مطمح نظر قرار می‌گیرد،¹⁰ مصالح اجتماعی به عنوان مبنای جرم انگاری شناخته می‌شود. صدور گواهی خلاف واقع پزشکی می‌تواند پایه‌های عدالت اجتماعی را متزلزل نموده و نظم عمومی را مخدوش کند.

باید افزود که «جرم صدور گواهی خلاف واقع توسط پزشک در واقع از انواع جعل معنوی می‌باشد. زیرا مرتکب ابتدا با قلب حقیقت در ذهن خود، امری خلاف حقیقت را در ذهن می‌سازد و سپس آن را بصورت نوشته درآورده و تأیید می‌نماید؛ یعنی پزشک امر غیرحقیقی را به صورت واقعه حقیقی جلوه می‌دهد. به عبارت دیگر پزشک حقیقت وضع مزاجی و سلامتی کسی را قبلاً قلب نموده و گواهی‌نامه خلاف حقیقت صادر می‌نماید. علاوه بر غیرواقعی بودن گواهی‌نامه، متن آن می‌بایست حاکی از وجود بیماری یا نقص عضو برخلاف واقع باشد. بنابراین اگر گواهی صادره برخلاف واقع باشد و در آن پزشک، شخصی را که بیماری یا نقص عضو یا عیوب جسمانی دیگر دارد به دروغ سالم اعلام کند، مشمول ماده 539 قانون مجازات اسلامی نخواهد بود؛ زیرا معمولاً این نوع گواهی‌ها برای معافیت از خدمت در ادارات یا نظام وظیفه یا ارائه به دادگاه‌ها صادر نمی‌گردد بلکه برعکس برای استخدام یا بهره‌برداری‌های دیگر که خارج از منظور ماده مزبور است، صادر می‌شود».¹¹

بدین ترتیب لازمه تحقق عنصر مادی جرم اینست که گواهی پزشکی یا تصدیق‌نامه صادره از طرف پزشک کتبی باشد. مثال رایج و شایع آن گواهی پزشکی صادره از سوی طبیب در مورد مدت بیماری درمان است که معمولاً پزشک آنرا در یک برگ نسخه نوشته و امضاء و آنرا ممه‌ور به مهر پزشکی خود می‌نماید.

هنگام نگارش گواهی پزشکی: 1 - احراز هویت درخواست‌کننده گواهی؛ 2 - معاینه دقیق بیمار و تشخیص بیماری او؛ 3 - صحت محتوای گواهی صادره؛ 4 - تحویل و ارائه گواهی به بیمار؛ از جمله مواردی است که پزشک مکلف به رعایت آنها است.

10. نعیمی، رامین؛ مالمر، محمود، حیدری، مسعود، اصول و معیارها و بایدهای حاکم بر جرم انگاری در نظام حقوقی ایران، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای فقه، شماره 8، پاییز 1401، ص 76.

11. حکیمی‌ها، سعید، جرم صدور گواهی خلاف واقع «ابعاد قانونی و حقوقی»، نشریه پزشکی قانونی، شماره 20، مرداد و شهریور 1379، صص 52 تا 57.

12. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص رک: میرحسینی، سید حسن؛ عباسی، محمود، حقوق و تخلفات اداری، چاپ سوم، انتشارات حقوقی، 1394، ص 205 به بعد.

ج - سوء نیت مرتکب

سوء نیت یا قصد مجرمانه یکی دیگر از عناصر تشکیل دهنده جرم صدور گواهی خلاف واقع است. در اینجا منظور از قصد مجرمانه مرتکب، این است که وی در انجام عمل خلاف قانون عمد داشته باشد و این نکته را از عبارت «برخلاف واقع» مذکور در ماده 539 قانون مجازات اسلامی می توان استنباط کرد. مسلماً منظور مقنن از خلاف واقع بودن گواهی در این عبارت، علم و اطلاع پزشک از اقدام خود و عمد او در صدور گواهی برخلاف واقع است. به عنوان مثال، پزشکی که نوعی بیماری را گواهی می کند که اساساً در شخص وجود خارجی ندارد و به عدم وجود آن بیماری علم و اطلاع دارد، لیکن عمداً مبادرت به صدور گواهی خلاف واقع برای شخص مورد نظر می نماید، قصد مجرمانه او برای ارتکاب جرم محرز می باشد و این بدان معنا نیست که چنانچه پزشکی بر اثر اشتباه در تشخیص نوع بیماری و یا تعیین مدت طول درمان مبادرت به صدور گواهی پزشکی نماید عمل او منطبق با ماده 539 قانون مجازات اسلامی و مسئولیت جزایی او محرز می باشد، بلکه برای تحقق جرم موصوف، صرف اشتباه در تشخیص کافی نبوده و نیازمند احراز سوء نیت مرتکب می باشد.

«چنانچه پزشک جراحتهایی را که در جسم بیمار وجود خارجی ندارد مورد گواهی قرار دهد و گواهی او مناط حکم برعلیه دیگری باشد که به جبران خسارات وارده محکوم گردیده پزشک مسئول است و هم چنین اگر پزشک در تشخیص ماهیت بیماری و عوارض آن دچار اشتباه شود او مسئول خطاهایی است که گواهی صادره متضمن آنهاست»¹³

بنابراین در مورد اول که پزشک مبادرت به صدور گواهی برای جراحتهای بیماری نموده که اساساً در جسم بیمار وجود خارجی ندارد، عمل او جرم و مستوجب مجازات است لیکن در مورد دوم که پزشک در تشخیص ماهیت بیماری و عوارض آن دچار اشتباه شده مسئولیت او مدنی و فاقد جنبه جزایی است و صرفاً به جبران خسارت وارده محکوم می گردد. لازم به یادآوری است که تحقق جرم صدور گواهی خلاف واقع منوط به تحقق اهداف مورد نظر شخصی که پزشک برای او گواهی صادر نموده، نمی باشد، بلکه به مجرد تحریر و مهر و امضاء گواهی خلاف واقع و تسلیم آن به

شخص مورد نظر، در صورت تحقق سایر شرایط جرم مزبور کامل می باشد و ضرورتی ندارد که مراجع قضایی تصدیق نامه را پذیرفته یا ادارات دولتی و نظام وظیفه فرد را از خدمت معاف کرده باشند. به عبارت دیگر این جرم از جمله جرایم مقید به نتیجه نمی باشد که تحقق آن منوط به حصول کامل نتیجه مورد نظر متقاضی باشد.

د - جهت صدور گواهی

قانون گذار در ماده 539 قانون مجازات اسلامی تصریح نموده، در صورتیکه تصدیق نامه خلاف واقع به منظور ارائه به ادارات رسمی، نظام وظیفه و یا تقدیم به مراجع قضایی برای معافیت از خدمت صادر شده باشد، مشمول مجازات مقرر در ماده مزبور می باشد.

به عبارت دیگر، وقتی طبیب با شرایط فوق مبادرت به صدور تصدیق نامه خلاف واقع بنماید، جرم مزبور محقق شده و پزشک به مجازات مقرر قانونی محکوم می گردد. هر چند که به وقوع نتیجه نیازی نیست و اعمال مجازات منوط به استفاده طرف از گواهی صادره نمی باشد. ماده مزبور مقرر می دارد: «هرگاه طبیب تصدیق نامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و هرگاه تصدیق نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه گیرنده محکوم می گردد».

همانگونه که ملاحظه می گردد قانون گذار در این ماده جهت صدور گواهی خلاف واقع را معاف شدن دیگری از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه و یا برای تقدیم به مراجع قضایی اعلام کرده است.

از مفهوم مخالف ماده مزبور چنین مستفاد می گردد که چنانچه طبیب تصدیق نامه خلاف واقع را به منظور ارائه به یک شرکت خصوصی صادر کند از شمول ماده خارج است، زیرا منظور از ادارات رسمی همان ادارات دولتی است که متصدی انجام اعمال رسمی هستند، یعنی وزارتخانه ها، سازمان ها و اداراتی که تحت نظر دولت بوده و با بودجه رسمی

13. جندی، عبدالملک بک، الوسوعه الجنائیه، ج 5، بیروت: دار العلم للجمع، 1932، ص 837.

بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشاهده و در اختیار آنان قرار گیرد تا این مقدار عمل طبیب را نمی‌توان جرم تلقی و مشمول ماده 539 قانون مجازات اسلامی دانست؛ زیرا قانون‌گذار تسلیم تصدیق‌نامه خلاف واقع به درخواست‌کننده را به منظور ارائه به ادارات رسمی یا نظام وظیفه و یا برای تقدیم به مراجع قضایی را شرط ضروری تحقق جرم مزبور می‌داند.

هـ- مجازات جرم صدور گواهی خلاف واقع

مجازات جرم صدور گواهی خلاف واقع، محکومیت به شش ماه تا دو سال حبس یا سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی می‌باشد.

همانگونه که قبلاً اشاره کردیم، اعمال مجازات در این جرم منوط به استفاده از گواهی غیرواقع صادره از سوی پزشک نیست. همین‌که پزشک گواهی غیرواقع صادره را به شخص تسلیم کرد یا به مراجع مذکور در ماده 539 قانون مجازات اسلامی ارسال نمود جرم محقق گردیده و پزشک به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌گردد. به علاوه مجازات مقرر در این ماده در مورد کسی اعمال می‌گردد که واقعاً پزشک باشد.

ماده 539 قانون یادشده مقرر می‌دارد:

«هرگاه طبیب تصدیق‌نامه خلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه میلیون تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. هرگاه تصدیق‌نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به‌عنوان جریمه به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده محکوم می‌گردد.»

همانگونه که ملاحظه می‌گردد ذیل ماده به طبیبی اشاره دارد که تصدیق‌نامه را به واسطه اخذ مال یا وجهی ارائه کرده باشد. بدیهی است که در این مورد مجازات رشوه‌گیرنده جایگزین مجازات مقرر در صدر ماده می‌گردد.

ابهامی که در اینجا وجود دارد این است که منظور مقنن از «به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده محکوم می‌گردد» چیست؟

آیا منظور مجازات مقرر در ماده 588 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1375 است یا ماده 3 قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال

دولت اداره می‌شوند و از نظر حقوقی، عمل رسمی، به عملی اطلاق می‌شود که منصوب به دولت باشد.¹⁴

نظام وظیفه نیز یکی از ادارات رسمی وابسته به نیروی انتظامی است که تحت نظر وزارت کشور انجام وظیفه می‌کند و عهده‌دار رسیدگی به امور نظام وظیفه و خدمت سربازی است.

هم‌چنین مراجع قضایی مصرحه در ماده 539 قانون مزبور مراجعی هستند که زیر نظر رئیس قوه قضائیه و براساس اختیارات قانونی خود به انجام وظیفه می‌پردازند.

بنابراین تصدیق‌نامه‌های خلاف واقعی که طبیب درباره شخصی برای معافیت از خدمت در یکی از ادارات رسمی یا نظام وظیفه و یا برای تقدیم به مراجع قضایی صادر می‌نماید مشمول ماده فوق می‌باشد و سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقعی که طبیب صادر می‌نماید مانند گواهی خلاف واقع تندرستی برای امر ازدواج موضوع ماده 5 قانون لزوم ارائه گواهی‌نامه پزشکی قبل از وقوع ازدواج مصوب سال 1317 و یا تصدیق‌نامه‌های خلاف واقعی که طبیب برای مرجعی غیر از مراجع مقرر در ماده 539 صادر می‌نماید، مانند تصدیق‌نامه‌های خلاف واقعی که موجب ضرر شخص ثالثی می‌گردد یا آن‌که خسارتی بر خزانه دولت وارد می‌آورد از شمول ماده مزبور خارج می‌باشند.

سئوالی که مطرح می‌شود این است که چنانچه پزشکی مبادرت به صدور گواهی خلاف واقع نماید، لیکن از تسلیم آن به متقاضی یا از ارسال آن به اداره متبوع وی یا مراجع مذکور قانون خودداری ورزد، آیا عمل پزشک منطبق با ماده 539 قانون مجازات اسلامی است یا خیر؟

با توجه به مفاد ماده 539 قانون مذکور، به نظر می‌رسد صرف صدور گواهی خلاف واقع پزشکی از سوی پزشک، بدون اینکه آن را به درخواست‌کننده تسلیم یا آن را به مراجع مذکور در ماده 539 ارسال نموده باشد، برای مسئول شناختن پزشک کفایت نمی‌کند. بنابراین چنانچه پزشکی مبادرت به صدور گواهی خلاف واقعی پزشکی برای شخصی نموده باشد که به منظور توجیه غیبت غیرموجه خود، قصد ارائه آن به وزارتخانه متبوعش را داشته، لیکن از تسلیم آن به طرف یا از ارسال آن به وزارتخانه متبوع شخص خودداری و آنرا در کشوی میز خود نگهداری می‌نموده است و در نتیجه بازرسی از مطب وی، گواهی صادره توسط بازرسی وزارت

14. جعفری لنگرودی، پیشین، ص 154.

چنانچه ملاحظه می‌گردد این ماده اولاً، برخلاف ماده 539 قانون مجازات اسلامی اطلاق دارد و شامل هر نوع تصدیق‌نامه خلاف واقعی می‌باشد که منتهی به ضرر اشخاص ثالث یا سبب ورود خسارت به خزانه دولت گردد.

ثانیاً، این ماده نیز همانند ماده 539 قانون مذکور علی‌رغم ذکر آن در ذیل فصل پنجم قانون مجازات اسلامی که اختصاص به جعل و تزویر دارد، از آن جهت که بحثی راجع به خدشه در اصل تصدیق‌نامه‌های صادره و حتی در استناد آنها به اشخاص صادرکننده گواهی ندارد، اساساً جعل محسوب نمی‌گردد.

ثالثاً، دو نکته در این ماده قابل اهمیت و بررسی است: یکی مفهوم ضرر است و دیگری مفهوم شخص ثالث.

1- مفهوم ضرر یا خسارت را همه می‌دانیم: هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای وارد آید می‌گویند ضرری به بار آمده است.¹⁵

ضرر را به طور کلی به ضرر مادی و معنوی تقسیم کرده‌اند، لیکن در باب مسئولیت مدنی و جزایی ممکن است ضررهای دیگری چون ضرر جسمانی، ضرر عمومی و ضرر اجتماعی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

هرچند قانون‌گذار در ماده 540 قانون مجازات اسلامی، واژه ضرر را بطور علی‌الاطلاق بیان کرده لیکن به نظر می‌رسد آنچه مورد نظر قانون‌گذار در ماده 540 قانون مذکور بوده است، ضرر مادی است، گرچه مانعی در انطباق آن با ضرر معنوی، در صورتیکه مصداقی برای آن بیابیم وجود ندارد. به‌عنوان مثال، چنانچه طیبی مبادرت به صدور گواهی خلاف واقع برای دانشجویی نماید که به علت بیماری نتوانسته در کلاس درس حاضر شود؛ در اینجا اولاً، هیچگونه ضرری متوجه شخص ثالثی نگردیده، ثانیاً، چنانچه ضرری هم متصور باشد ضرر معنوی است که متوجه دانشجو است. ثالثاً، موضوع از شمول ماده 540 قانون مجازات اسلامی خارج است.

بنابراین مناط اعتبار در تطبیق موضوع با ماده مذکور، ایراد ضرر به شخص ثالث است.

2- نکته دیگری که در این ماده وجود دارد مفهوم شخص ثالث است.

1367 مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام؟

در ابتدا باید دید منظور قانونگذار از ارجاع مجازات صدور تصدیق‌نامه خلاف واقعی که به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده چه بوده است. بدون شک هدف قانون‌گذار تشدید مجازات مرتکب بوده است. بنابراین چنانچه ماده 588 قانون مجازات اسلامی را ملاک عمل در مجازات رشوه‌گیرنده قرار دهیم از آنچه که مجازات مقرر، همان شش ماه تا دو سال حبس یا سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی می‌باشد که مورد حکم مقنن در ماده 539 قانون مجازات اسلامی قرار گرفته، لذا تفاوتی بین مجازات‌های مقرر در دو ماده مشاهده نمی‌گردد. بدین ترتیب باید گفت که منظور مقنن از «مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده» ماده 3 قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال 1367 می‌باشد، ضمن اینکه مرتکب به استرداد و ضبط مال یا وجه ماخوذه نیز محکوم می‌گردد.

نکته دیگری که در پایان این گفتار لازم است به آن توجه شود این است که چنانچه مرتکب جرم، پزشک نظامی باشد و با صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع موجب معافیت مشمولی از خدمت وظیفه عمومی گردد به موجب ماده 58 قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال 1371 به شش ماه تا سه سال حبس و محرومیت از اشتغال به آن حرفه در خارج از نیروهای مسلح به مدت 5 تا 10 سال محکوم می‌گردد.

2- سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع

علاوه بر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع مصرّحه در ماده 539 قانون مجازات اسلامی، قانونگذار موارد دیگری از صدور تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع در ماده 540 قانون مارالذکر و ماده 5 قانون لزوم ارائه گواهی‌نامه پزشک قبل از وقوع ازدواج مصوب سال 1317 پیش‌بینی نموده که به اختصار آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف - صدور تصدیق‌نامه به ضرر اشخاص ثالث
به موجب ماده 540 قانون مجازات اسلامی «برای سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آنکه خسارتی بر خزانه دولت وارد آورد مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا 74 ضربه یا به دو بیست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد».

15. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، جلد یک، قواعد عمومی، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، 1398، ص 244.

لذا صرف صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع، بدون آنکه مرتکب خواستار نتیجه آن که ضرر به شخص ثالث یا خسارت به خزانه دولت است می‌باشد، جرم تلقی نمی‌گردد.

البته باید ذکر شود که ماده 540 قانون مجازات اسلامی عام است و اختصاص به ارتکاب جرم از ناحیه پزشک ندارد. به عبارت دیگر مرتکب جرم ممکن است پزشک یا غیر پزشک باشد و اقدام به صدور گواهی نامه خلاف نموده باشد که در صورت وجود سایر شرایط، جرم محقق خواهد بود.

ب- گواهی خلاف واقع جهت ازدواج

یکی دیگر از مواردی که در باب صدور گواهی خلاف واقع مورد حکم قانون‌گذار قرار گرفته و موجب مسئولیت جزایی پزشک می‌گردد، گواهی خلاف واقع تندرستی برای امر ازدواج است.

به موجب ماده 2 قانون لزوم ارائه گواهی نامه پزشک قبل از وقوع ازدواج مصوب آذرماه 1317 کلیه دفاتر ازدواج مکلف می‌باشند که قبل از وقوع ازدواج از نامزدها گواهی‌نامه پزشک را بر نداشتن امراض مسریه مهم مطالبه نمایند.

و ماده 5 قانون مذکور مقرر می‌دارد:

«هر پزشکی که برخلاف واقع گواهی تندرستی به نامزد بدهد و یا بدون جهت از روی غرض از دادن گواهی‌نامه خودداری نماید به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

قانون‌گذار در این ماده دو موضوع فعل و ترک فعل پزشک در صدور گواهی خلاف واقع بیماری و خودداری از صدور گواهی‌نامه تندرستی را جرم تلقی کرده و آن را موجب مسئولیت کیفری پزشک می‌داند. بنابراین چنانچه دختر و پسری که قصد ازدواج دارند، مبتلا به بیماری سیفلیس و یا یکی دیگر از بیماری‌های مسری و واگیردار باشند به پزشکی مراجعه نمایند و پزشک مزبور به هر دلیلی، بیماری مسری آنان را مکتوم و مبادرت به صدور گواهی سلامتی برای آنها نماید و یا برعکس، دختر و پسری که قصد ازدواج دارند و در کمال سلامتی بسر می‌برند به پزشکی مراجعه نمایند و پزشک مزبور از روی غرض ورزی نسبت به صدور گواهی تندرستی برای آنان خودداری ورزد فعل و ترک فعل او جرم و مستوجب شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی خواهد بود.

همانگونه که می‌دانیم شخص اعم است از شخص حقیقی و شخص حقوقی و شخص حقوقی نیز می‌تواند موضوع شخصیت حقوقی عمومی و یا شخصیت حقوقی حقوق خصوصی واقع شود.

لذا به نظر می‌رسد که با توجه به مفهوم کلی شخص در ماده مزبور که مشتمل بر شخص حقیقی و حقوقی است می‌بایست شخص ثالث را بر تمام موارد حمل کرد. بدین ترتیب لازمه احراز وقوع جرم، تحقق ضرر به شخص ثالث می‌باشد که قانون‌گذار به آن تصریح نموده است.

رباعاً، سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع مصرح در این ماده، اعم است از تصدیق‌نامه‌های دیگری که طبیب برای غیر از موارد معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی صادر می‌کند و یا تصدیق‌نامه‌های خلاف واقعی که دیگر صاحبان حرف پزشکی و سایر افراد صادر می‌کنند.

همانگونه که اشاره کردیم لازمه احراز این جرم آنست که تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آنکه سبب خسارتی به خزانه دولت گردد.

بنابراین جرم موضوع این ماده، برخلاف جرم موضوع ماده قبل مقید است نه مطلق.

لازم به توضیح است که علیرغم اهمیت کمتر تصدیق‌نامه‌های موضوع این ماده از تصدیق‌نامه‌های موضوع ماده 539 قانون مذکور، احراز شرط تحقق جرم که در ایراد ضرر به شخص ثالث یا ورود خسارت به خزانه دولت می‌باشد، دشوارتر است.

مجازات پیش‌بینی شده در ماده 540 قانون مذکور برای مرتکب جرم، علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا 74 ضربه یا به دو بیست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی می‌باشد.

بنابراین عناصر تشکیل‌دهنده این جرم عبارتند از:

1- عنصر قانونی که ماده 540 قانون مجازات اسلامی است.

2- عنصر مادی که صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع است.

3- عنصر معنوی یا قصد مجرمانه که از مقید به نتیجه بودن عمل یعنی ایراد ضرر به شخص ثالث یا ورود خسارت به خزانه دولت مستفاد می‌گردد.

آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب سال 1320 و اصلاحات سال 1347 آن ناشناخته بوده و در دو سه دهه اخیر کشف شده‌اند، آیا بیماری‌های اخیر نیز مشمول قانون مارالذکر می‌گردد یا خیر؟

برخلاف ماده 19 قانون مذکور که به احصاء بیماری‌های واگیردار پرداخته و حصری است، به نظر می‌رسد که بیماری‌های مندرج در تبصره ماده یک قانون مذکور بنا بر دلایل ذیل تمثیلی است:

1- سیاق عبارات و نحوه نگارش تبصره ماده یک قانون مزبور به گونه‌ای است که حصری بودن بیماری‌های مصرّحه قانونی از آن مستفاد نمی‌گردد.

2- خطر ابتلاء به برخی بیماری‌های آمیزشی لاعلاج به حدّی است که علیرغم پیشرفت‌های نوین پزشکی، امیدی به نجات مبتلایان به اینگونه بیماری‌ها نیست و تنها اقدام مفید، جلوگیری از شیوع روزافزون آن است و هدف مقنّن نیز از وضع چنین قانونی، جلوگیری از شیوع اینگونه بیماری‌ها بوده است. بنابراین نمی‌توان هیچ توجیه و استدلال مخالفی برای آن یافت. لذا شمول بیماری‌های خانمان‌سوز و خانمان براندازی چون ایدز و هیپاتیت در زمره بیماری‌های آمیزشی و واگیردار در راستای تأمین نظر و اهداف قانون‌گذار است.

3- از حصری بودن ماده 19 قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار چنین مستفاد می‌گردد که چنانچه قانون‌گذار مخاطرات بیماری‌های آمیزشی دیگری که ممکن است بعداً کشف و شناخته گردند را پیش‌بینی نمی‌نمود همانند ماده 19 قانون مارالذکر می‌توانست بیماری‌های آمیزشی را نیز به طور حصری بیان نماید. البته شایان ذکر است که تصریح قانون‌گذار بر تبیین موارد بیماری‌های آمیزشی، به معنی الزام پزشک به انجام آزمایشات لازم در مورد کلیه بیماری‌های مصرّحه قانونی نیست. برخی بیماری‌های آمیزشی مانند سوزاک و شانکر نرم برخلاف سیفلیس که با انجام آزمایشات خون مشخص می‌شود به گونه‌ای است که فرد مبتلا با لحاظ اوضاع و احوال بیماری خود می‌بایست مراتب را به پزشک اعلام نماید که در صورت عدم اعلام، قانون‌گذار ضمانت اجرای قانونی برای آن در نظر گرفته است.

عناصر متشکله این جرم عبارتند از:

1- عنصر قانونی که همان ماده 5 قانون لزوم ارائه گواهی‌نامه پزشک قبل از ازدواج می‌باشد.

2- عنصر مادی جرم، صدور گواهی تندرستی برخلاف واقع و یا خودداری از صدور گواهی‌نامه تندرستی از روی غرض‌ورزی

3- عنصر معنوی یا قصد مجرمانه، که از صدر ماده مستفاد می‌گردد و در مورد فعل مثبت پزشکی است که از دادن گواهی‌نامه تندرستی به نامزد مبتلا به یکی از بیماری‌های واگیردار خودداری ورزد و در ذیل ماده که در مورد فعل منفی پزشک یعنی ترک فعل قانونی او است، از غرض‌ورزی پزشک در خودداری از دادن گواهی‌نامه تندرستی به نامزدی که مبتلا به بیماری آمیزشی نیست.

بنابراین ارتکاب این جرایم همانند صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع، موضوع ماده 539 قانون مجازات اسلامی، مستوجب شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی است. با این تفاوت که در ماده 539 قانون مجازات اسلامی، قاضی پرونده مخیر است مرتکب را به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی یا شش ماه تا دو سال حبس محکوم نماید.

سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که منظور از امراض مسریه مصرّح در ماده 2 قانون لزوم ارائه گواهی‌نامه پزشک قبل از ازدواج چیست؟

در پاسخ باید گفت که مقنّن در ماده 19 قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب سال 1320 لیستی از بیماری‌های واگیردار را ارائه کرده است، که برخی از آنها ریشه‌کن شده و گرچه برخی از آنها حاد و دارای عوارض ناگواری برای مبتلایان به دنبال دارد و حتی ممکن است موجب مرگ گردند، اما از مواردی که مانع ازدواج نمی‌باشند، لیکن در این خصوص تبصره ماده یک قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب سال 1320 در خور توجه است که مقرر می‌دارد: مقصود از بیماری‌های آمیزشی، سوزاک، کوفت (سیفلیس)، آتَشک (شانکر نرم) است. در هر نقطه از بدن که واقع باشد.¹⁶

نظر به اینکه برخی بیماری‌های شدیداً خطرناک، مانند، ایدز و هیپاتیت در زمره بیماری‌های آمیزشی و واگیردار قرار دارند که در زمان تصویب قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های

16. به نقل از مجموعه محشای کامل قوانین و مقررات نظام سلامت، دوره سه جلدی، انتشارات حقوقی، 1397.

جرم جعل گواهی پزشکی برای معافیت از خدمت دولت یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به دادگاه، توسط شخصی غیر از پزشک ذی صلاح، در ماده 538 مطمح نظر بوده؛ لیکن گواهی خلاف واقع پزشکی به طور خاص در ماده 539 قانون مجازات اسلامی مورد جرم انگاری قرار گرفته است. با توجه به نص و فحوای ماده، شرایطی برای تحقق این جرم پیش بینی گردیده که عبارت است از جایگاه پزشک (در مقام ذی صلاح صادر کننده گواهی)، خلاف واقع بودن گواهی، سوء نیت مرتکب و جهت صدور گواهی که طبق ماده برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضائی دانسته شده است. در این صورت مرتکب به مجازات حبس یا جزای نقدی حسب مورد محکوم خواهد شد و در صورتی که به واسطه صدور گواهی، مالی اخذ کرده یا وجهی ستانده باشد، مال یا وجه مزبور استرداد و به عنوان جریمه ضبط می‌شود و با توجه به انطباق این عمل با جرم رشوه، مستعد محکومیت به مجازات مقرر برای رشوه گیرنده نیز خواهد بود.

در سایر جهات و مواردی که گواهی پزشکی خلاف واقع صادر گردیده و موجب ضرر شخص ثالثی گردد یا آن که خسارتی بر دولت وارد آورد، بر اساس ماده 540 قانون، مرتکب می‌بایستی علاوه بر جبران خسارت وارده، مجازات مقرر در ماده را نیز متحمل گردد.

ماده 9 قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرکس بداند مبتلا به بیماری آمیزشی و واگیردار بوده و یا آنکه اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزند که بیماری او واگیردار است و به واسطه آمیزش طرف مقابل وی مبتلا شود و به مراجع قضایی شکایت کند، مبتلاکننده به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود».

در پایان لازم است به این نکته اشاره شود که دیگر این شیوه قانون‌نویسی مرسوم و رایج نیست. قانون‌گذار می‌بایست اصول کلی و قواعد حاکم بر موضوع و مجازات‌های آن را وضع و تدوین جزئیات آنرا موکول به تدوین آیین‌نامه اجرایی نماید، زیرا پروسه وضع یک قانون بسیار وقت‌گیر و طولانی است و چه بسا مخاطراتی که ممکن است از قبل خلاء قانونی متوجه جامعه گردد.

نتیجه‌گیری

صدور گواهی خلاف واقع پزشکی علاوه بر این که دون شأن طبابت و ناقض اصول اخلاق پزشکی به شمار می‌رود، با توجه به آثار سوء فردی و اجتماعی و نقش آن در تزییع حقوق اشخاص و حقوق دولت، مورد جرم انگاری قرار گرفته و برای مرتکب این عمل در قانون، مسئولیت کیفری و همچنین مسئولیت مدنی (جبران خسارت) در نظر گرفته شده است.

Abstract:**Analyzing False Medical Certificate in Iranian Legal System**

Abbasi M. PhD *

(Received: 10 Jan 2024 Accepted: 18 April 2024)

Issuing a False medical certificate is one of the most important abnormalities in the relationship between a physician and a patient, which is of particular concern to the legislator and criminalized due to the effect on public order and damage to private and juridical persons, as well as distorting the dignity of the medical profession. This act can lead to criminal, civil, and disciplinary liability for the doctor, depending on the case. In this article, while explaining the concept of issuing a false medical certificate and its various assumptions, the elements of such a crime and the conditions for realizing criminal and civil liability in this regard and applying punishment and compensation will be discussed. In order to realize the special crime of issuing a false medical certificate, it is necessary to take into account the conditions stipulated in Article 539 of the Islamic Penal Code approved in 1375, and in other cases (fake medical certificate or other false certificates) according to the case, Articles 538 and 540 of The law regarding the execution of the punishment and the method of compensating damages, will be applied.

Key Words: False Medical Certificate, Elements of Crime, Criminal Liability, Civil Liability

* *PhD in Medical Law from Sorbonne University, Fellowship in Biethics, Associate's Degree and Head of Medical Law and Ethics Research Center of Shahid Beheshti University of Medical Sciences, and Chair of Scientific Association of Iran Meidcal Law, Tehran, Iran*

منابع:

1. بیگی، جمال؛ موسوی، سیدرضا، جرم انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال نوزدهم، شماره 71، بهار 1402.
2. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، 1400.
3. جندی، عبدالملک بک، الوسوعه الجنائیه، ج 5، بیروت: دار العلم للجمع، 1932.
4. حکیمی‌ها، سعید، جرم صدور گواهی خلاف واقع « ابعاد قانونی و حقوقی نشریه پزشکی قانونی»، شماره 20، مرداد و شهریور 1379.
5. عباسی، محمود، مجموعه قوانین و مقررات پزشکی و دارویی، انتشارات حقوقی، 1381.
6. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، جلد یک، قواعد عمومی، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، 1398.
7. جمعی از نویسندگان، مجموعه محشای کامل قوانین و مقررات نظام سلامت، دوره سه جلدی، انتشارات حقوقی، 1397.
8. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه. بخش مدنی (مالکیت و مسئولیت)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، 1395.
9. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، 1392.
10. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه. الجزء الأول، قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب (ع)، 1427 ه.ق.
11. میرحسینی، سید حسن؛ عباسی، محمود، حقوق و تخلفات اداری، چاپ سوم، انتشارات حقوقی، 1394.
12. میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای اختصاصی²؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، 1397.
13. نعیمی، رامین؛ مالمیر، محمود، حیدری، مسعود، اصول و معیارها و بایدهای حاکم بر جرم انگاری در نظام حقوقی ایران، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای فقه، شماره 8، پاییز 1401.